

علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی

مسعود جعفری

کتابی که شصت سال پس از تألیف منتشر می‌شود

هر آن نقشی که بر صحرا نهادیم
تو زیبا بین که ما زیبا نهادیم

۲۴۵

بخارا
سال دوازدهم
شماره ۷۵
فروردین - تیر
۱۳۸۹

در سال ۱۳۲۷ یکی از نخستین کسانی که به دریافتِ درجهٔ دکترا در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی نائل می‌شد، از پایان‌نامهٔ تحصیلی خود دفاع کرد. این دانشجو که در میان همدرسان خود تشخص ویژه‌ای داشت و استاد بدیع‌الزمان فروزانفر به او لقب دوشیزه مشکین شیرازی داده بود، کسی جز خانم سیمین دانشور نبود. این پایان‌نامه «علم الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم هجری» عنوان داشت و نویسندهٔ آن تحقیق در این باره را چند سال قبل از آن تاریخ آغاز کرده بود. راهنمایی این رساله را نخست خانم فاطمه سیاح بر عهده داشت و پس از مرگِ نابهنگام او، استاد فروزانفر این مسئولیت را تقبل کرد.

دانشور از فاطمه سیاح و راهنمایی‌های او خاطره‌هایی خوش دارد. او به یاد می‌آورد که خانم سیاح سگی در خانه داشت که به هنگام مراجعهٔ دانشور سروصدا می‌کرده است. از آنجا که فاطمه سیاح تنها بوده، و گهگاه دانشور را برای نهار دعوت می‌کرده و علاوه بر درس و بحث علمی، چند قطعهٔ پیانو هم برای او می‌نواخته است. لهجهٔ روسی خانم سیاح که موجب می‌شده مثلاً شاهنامه را شاخنامه تلفظ کند دستمایهٔ طنز و تمسخر برخی از رقیبان او و از جمله دکتر صورتگر بوده است. دانشور از این روحیهٔ صورتگر با ناخرسندی یاد می‌کند.

فاطمه سیاح در سال ۱۳۲۶ درگذشت. در این هنگام دانشور هنوز سرگرم نگارش بخش‌های مربوط به نظریه‌های جمال‌شناسی اروپایی بود. سرانجام پس از چند ماه سرگردانی، راهنمایی رساله برعهدهٔ فروزانفر قرار گرفت. طبعاً تکیه و تأکید فروزانفر بر ادبیات فارسی بود و دانشور ناچار می‌بایست دامنهٔ مباحث مربوط به جمال‌شناسی غرب را کوتاه کند و به بررسی

شعر و عرفان و ادبیات فارسی توجّه کند. دانشور معتقد است که اگر از راهنمایی‌های سیّاح بهره بیشتری می‌برد رساله‌اش از لونی دیگر می‌بود.

ساختار کنونی رساله بدین‌گونه است که نویسنده پس از مقدمه کلی، ابتدا در یک بخش که حدود نیمی از حجم رساله را دربردارد به سیر مباحث مربوط به جمال‌شناسی در غرب می‌پردازد. این مباحث از نظریات افلاطون و ارسطو آغاز می‌شود و به متفکران اوایل قرن بیستم ختم می‌شود.

بخش دوم رساله به ایران و ادبیات فارسی اختصاص دارد. نویسنده بحث خود را با اشاره‌ای به هنر نقاشی و موسیقی آغاز می‌کند، سپس به آرای فلاسفه همچون ابن‌سینا و دیگران می‌پردازد، در ادامه عرفان و تصوف را از این منظر بررسی می‌کند و سرانجام به شعر فارسی توجّه می‌کند. پایان بخش رساله نیز بحثی است درباره معانی رمزی جمال در ادبیات فارسی.

دانشور در یکی از نامه‌هایی که خطاب به آل‌احمد نوشته، جلسه دفاع از پایان‌نامه‌اش را چنین توصیف کرده است: «یادم می‌آید روز گرفتن دکترایم یکی از اعضای ژوری دیر کرده بود. تو جلو نشسته بودی، با این حال دلم شور می‌زد نکند او نیاید و دفاع از رساله‌ام به روز دیگر موکول بشود و چشمم به در بود. خانم ملکی وارد شد و یک گلدان سفالی زیبا با گل‌های مینا روی شکمش گرفته بود و بعد آقای ملکی آمد.

... وقتی مقاله دفاعیه‌ام را می‌خواندم یک چشمم به تو بود و چشم دیگرم به ملکی و او یا لبخند می‌زد و یا سر تکان می‌داد... وقتی آقای حکمت در پایان جلسه این شعر حافظ را در وصفم خواند، اول تو دست زدی و بعد ملکی و بعد دیگران. شعر این بود:

ای پیک خجسته چه نامی فدایت لک
هرگز سیاه چرده ندیدم به این نمک ...»
تقدیر چنین بود که این رساله حدود شصت سال پس از تألیف آن منتشر شود. خانم دانشور در سال گذشته تصمیم به چاپ این رساله گرفتند. مراحل تدوین و آماده‌سازی نهایی کتاب اکنون به پایان رسیده و این کتاب به زودی به همت نشر قطره در اختیار دوستداران آثار دانشور قرار خواهد گرفت.